بازخوانی مصاحبه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درخصوص عملیات مرصاد

ابعاد و ناگفته‌های مختلف عملیات مرصاد

قسمت دوم و پایانی

اشاره

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی فرمانده دفاع مقدس و جانشین فرمانده کل قوا در تاریخ چهارشنبه ۲ مرداد ۸۷ گفت‌وگویی در ساختمان قدس مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام دادند، که بخشی از ابعاد و ناگفته‌های مختلف عملیات مرصاد را در سال ۶۷ تشریح کردند. این گفت‌وگو که در پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی موجود است، برای علاقمندان به تاریخ دفاع مقدس قابل دسترسی است، اگرچه متأسفانه چندین سال است برخی بازیگران سیاسی با کینه و عداوتی از سر حقد و حسادت با در دست گرفتن و یا نفوذ به مراکز تحقیقات جنگ و صداوسیما مشغول تحریف بسیاری از واقعیت‌های جنگ هستند، گویی که برخی از افراد و دستگاه‌های اجرایی همچون دولتِ زمان جنگ و یا شخصیت‌های مؤثر در جنگ اصلاً وجود خارجی نداشته‌اند. روزنامه جمهوری اسلامی برای جلوگیری از این تحریف و ممانعت از ایجاد شبهه در نسل جوان، وظیفه خود می‌داند واقعیت‌های دفاع مقدس را به‌گونه‌ای درست بازخوانی نماید. گفت‌وگویی که می‌خوانید قسمت اول آن در صفحه جبهه و جنگ این روزنامه در روز سه‌شنبه ۷ مرداد (دیروز) چاپ شد و اینک قسمت دوم و پایانی آن تقدیم می‌شود.

***اگر لطف کنید صحنه عملیات را بیشتر بگویید ممنون می‌شوم.**

– من در آنجا دستوری به همه واحدها دادم و گفتم: فرصتی پیش آمده و منافقین که تا به حال در معرض نیروهای ما قرار نمی‌گرفتند، خودشان دارند می‌آیند. باید از این فرصت استفاده کنیم. چون بعد از جنگ دیگر دسترسی به اینها نخواهیم داشت. الان که خودشان آمده‌اند، باید به حسابشان برسیم.

اطلاعات را گرفتم و با اسرایی که گرفته بودیم، تکمیل شد. دیدیم منافقین به صورت یک ارتش مجهز وارد شدند. تعداد زیادی تانک و نفربر و مقدار زیادی توپ و خمپاره‌انداز آورده بودند. تعداد زیادی از نیروهای ویژه را که تربیت کرده بودند، آورده و به آنها در جاهای خاص مأموریت داده بودند. خودرو و سایر تجهیزات هم خیلی زیاد داشتند.

مشخص شد که رجوی به نیروهایش گفته بوده که داریم به تهران می‌رویم و پشت سرتان را هم نگاه نکنید. لذا همه چیز را جمع کرده و آورده بودند. البته بعداً معلوم شد که آنها احتیاط کردند و نیروهای حساس خود را به‌گونه‌ای چیده بودند که در معرض نیروهای ما قرار نگیرند. می‌خواستند وقتی که مطمئن و مستقر شدند، آنها بیایند.

ارتش عراق راه را برای آنها باز کرد و از پل ذهاب عبور کردند. از پاتاق عبور کردند.

کرند را تصرف کردند. در آنجا مقاومتی در برابرشان نبود. در اسلام‌آباد کمی مقاومت بود که شکسته شد و در مسیر کرمانشاه بودند که ما فرمان دادیم نباید از فلان نقطه جلوتر بیایند. گمان می‌کنم آن نقطه همان تنگه چهار زبر بود.

نیروها هم رسیدند. چون نیروها از جنوب خیالشان راحت شده بود. هرکسی هم که در اطراف شمال غرب بود، خودش را به آنجا رساند.

منافقین به تنگه‌ای آمده بودند که ما آن را به یک جوال تشبیه کردیم. گفتیم اینها وارد این جوال شدند و هرچه که خواستید، آنها را بزنید. نمی‌توانستند به اسلام‌آباد برگردند. به کرمانشاه هم نمی‌توانستند بیایند. راه فرارشان همان کوه‌ها بود. بعداً هم من با هلی‌کوپتر رفتم و آن کوه‌ها را نگاه کردم. دیدم راهی ندارد و اگر فرار کرده‌اند، به بیابان زده‌اند.

در میدان جنگ هم یکبار با هلی‌کوپتر در زمانی که هنوز درگیری بود، رفتم. از بالا آرایش نیروهای خودمان و آرایش آنها را دیدم. تانک‌ها و نفربرهایی را که کنار جاده سوخته شده بود، دیدم. یک صحنه دیدنی بود. اگر فیلم آن باشد، حتماً تجدید خاطره خوبی برای مردم ما می‌شود. خیلی خوب منهدم شدند. هر آنچه که در طول جنگ از عراق باج گرفته بودند یا در حملاتی که گاهی به نیروهای ما می‌کردند و از ما گرفته بودند، همه آنها را به آنجا آوردند که یا منهدم شد و یا ما از دست آنها گرفتیم.

این جریان مسائل ریز فراوانی دارد که باید از زبان اسرای آنها و رزمندگان ما و یا راه دیگری، بدست بیاورید.

***صحبتی که در اذهان عمومی مردم کرمانشاه می‌شود و شاید کج‌فکرها و منافقین بین مردم شایعه کردند، این است که شما گفتید: «اگر تا کرمانشاه بیایند و آنجا را بگیرند، ایرادی ندارد. همدان را حفظ کنید.» واقعیت این مطلب را برای باز شدن فکر مردم و اثبات دروغ و یا شایعه بودن این قضیه بفرمائید. یا اینکه شاید این یک سیاست بود که بکار گرفتید و گفتید.**

– فکر می‌کنم درست برعکس است. برای اینکه جمله اصلی من تحت‌الشعاع قرار بگیرد، چنین چیزی را جعل کردند.

اولاً من از منطقه‌ای که در آن تصفیه‌خانه بود و به داخل شهر آمدم. برای اینکه نیروها بگویم با شما هستم. بعضی از دوستان مخالف بودند و می‌گفتند که شما در کرمانشاه نمانید. چون ممکن است عوامل نفوذی در اینجا دست به کارهایی بزنند.

من گفتم: نه. قطعاً اینجا می‌مانم و از اینجا بیرون نخواهم رفت. هرکس هم از تنگه عقب‌نشینی کند، او را تنبیه می‌کنم. تازه دادگاه‌های نظامی را تأسیس کرده بودیم.

همان موقع به آنها گفتم که آماده باشید. ممکن است کاری را که تاکنون در جنگ نکرده‌ایم و تنبیه نکردیم، بعضی‌ها را معرفی کنیم. چون هیچ وجهی ندارد که در مقابل یک تعداد آدم خودفروش و جاسوس، در میدان جنگ کوتاهی کنیم. در میدان‌های دیگر گاهی عقب‌نشینی قابل تحمل بود، ولی اینجا چنین وضعی را نمی‌بینیم. وقتی که دیدند من در آنجا می‌مانم، دیگر هیچ‌کس شک نکرد که تنگه، آخرین نقطه و خط قرمز ماست. معنای بودن من در کرمانشاه همین بود. چون اگر من چنین تصوری داشتم، می‌رفتم و در همدان می‌ماندم.

البته من تاکنون این را نشنیده بودم. فکر می‌کنم این حرف را برای اینکه آن حرف مرا ضعیف کنند و در تاریخ شبهه‌ای ایجاد کنند، گفته‌اند. واقعاً تصمیم این بود که هرکسی را که از تنگه عقب‌نشینی کرد، تنبیه کنیم.

***در فیلم‌هایی که من دیدم و شکل هوایی خود تنگه را دیدم، می‌توان گفت که تقریباً به شکل یک کاسه است. یعنی یک منطقه گود که نیروهای دشمن به داخل این منطقه کشیده شدند و از پشت و روبرو به آنها حمله کردیم. لطفاً درباره دلیل انتخاب سیاسی و استراتژیکی آن منطقه و نقش نیروهای مردمی و عشایر، هوانیروز، بسیج و نیروهای دیگری که آنجا بودند، مثل شهید صیاد شیرازی و آقای شمخانی و افراد دیگر، بفرمایید.**

***اولاً من از منطقه‌ای که در آن تصفیه‌خانه بود و بیرون شهر بود، خارج شدم و به داخل شهر آمدم. برای اینکه به نیروها بگویم با شما هستم. بعضی از دوستان مخالف بودند و می‌گفتند که شما در کرمانشاه نمانید. چون ممکن است عوامل نفوذی در اینجا دست به کارهایی بزنند. من گفتم: نه. قطعاً اینجا می‌مانم و از اینجا بیرون نخواهم رفت. هرکس هم از تنگه عقب‌نشینی کند، او را تنبیه می‌کنم**

– فکر می‌کنم آن نقطه را که درست نقطه وزن بود، حداقل من بعنوان فرمانده انتخاب نکردم. یعنی این اتفاق افتاد. بعضی می‌گویند که ما عمداً در اسلام‌آباد دفاع نکردیم که اینها عبور کنند تا محاصره شوند. اگر آنها هم چنین برنامه‌ای داشتند، من نمی‌دانستم.

اینها آمده و از اسلام‌آباد هم عبور کرده بودند. در اسلام‌آباد هم مقاومتی در برابرشان نبود. حتی یک چیز افسانه‌ای هم آن روزها نقل می‌کردند و می‌گفتند در بیرون اسلام‌آباد، یکی از خانم‌های منافقین اسیر شد و آن را به قرارگاه آوردند. آنقدر روحیه‌اش بالا بود که با فرمانده آنجا درگیر شد. وقتی مطلع شدیم که اینها از اسلام‌آباد عبور کردند، دستورنظامی این شد که از پایین به آنها حمله کنند و از این طرف دفاع کنند، چون نیروها داشتند از جنوب می‌آمدند. گفتیم حمله را از آن طرف آغاز کنند. آنها هم از آن طرف و از پشت سر به اینها نزدیک شدند.

بنابراین آن کسی که اینها را به آن منطقه آورد، خودشان بودند. با تدبیر الهی و حقانیت نیروهای ما آمدند. تدبیر نظامی هم این بود که در تنگه مقاومت شود تا حتی یک نفر عبور نکند. حتی گفتیم اطراف تنگه را هم ببندید تا نفوذ فردی هم نکنند. از پشت سر هم به آنها حمله شود.

مشکلی در آنجا وجود داشت که عراقی‌ها با نیروی هوایی و هلی‌کوپترها بصورت علنی به حمایت آنها آمدند. اولین کاری که کردند، چون ما از پایگاه همدان پشتیبانی می‌کردیم، یعنی هواپیماها از آن جا می‌رفتند و منافقین را می‌زدند و یا اگر عراقی‌ها می‌خواستند بیایند، ما از همدان جلویشان را می‌گرفتیم تا از طریق هوایی نتوانند بیایند، لذا آنها پایگاه نوژه را زدند.

خودم وقتی از کرمانشاه برگشتم، با هلی‌کوپتر در پایگاه نوژه نشستم و دیدم که باند را با بمب‌های خوشه‌ای زدند. بطوری که دیگر قابل استفاده نیست و ناامن شده بود. از تبریز هم استفاده می‌کردیم و بنا شده بود که از فرودگاه اضطراری اسلام‌آباد هم اگر نیاز شد، استفاده کنیم. در خود کرمانشاه هم که هوانیروزش آماده بود.

پس ضربه‌های اساسی به اینها را نیروی هوایی ارتش و هوانیروز می‌زدند. مقاومت را هم نیروهای کیفی ما در تنگه می‌کردند. عقبه آنها را نیروهای زمینی ما که هم بسیج و هم سپاه بود، می‌زد. افراد داوطلب هم به همین شکل جوشیده و به آنجا آمده بودند. ترکیب عجیب و غریبی شده بود که عقبه را داشتند.

اگر بخواهیم جمع‌بندی کنیم، رکن اصلی در این عملیات سپاه و بسیج بودند. نیروی هوایی ارتش کمک خیلی خوبی کرد. البته قرارگاهی که از نیروهای ارتش در آنجا داشتیم، خیلی خوب کار کردند. نیروهای داوطلب و بسیجی انصافاً با عشق و علاقه می‌جنگیدند. چون همه از دست منافقین عصبانی بودند. به جایی رسیده بود که می‌خواستند از آنها انتقام بگیرند. همه شریک بودند.

باید بگویم در دفاع مرصاد، تمام نیروهای نظامی ما، ارتشی، سپاهی، بسیجی، داوطلب، نیروی هوایی، نیروی زمینی، توپخانه‌های دورزن، مردم و عشایر نقش داشتند و بهترین نتیجه را گرفتند و منافقین را از کار انداختند. بعد از این عملیات منافقین دیگر نتوانستند سر بلند کنند. ارتش به اصطلاح خلق مجاهدین هم به همراه ارتش صدام به هم ریخت. اینها را خداوند پیش آورد. ما برای این قسمت طراحی نکرده بودیم.

***همه، شما را بعنوان یک تحلیل‌گر سیاسی و آشنا به تاریخ جنگ و مخصوصاً انقلاب می‌دانند و معتقد هستند که حضرت‌عالی بعنوان دایرةالمعارف حوادث انقلاب و جنگ هستید. دیدگاه شما نسبت به عکس‌العمل دشمنان و کشورهای دیگر، در خصوص شکست منافقین چیست؟**

– این موضوع را می‌توانید از نوشته‌های آن روز پیدا کنید. قبلاً روی منافقین بعنوان آلترناتیو حساب می‌شد و آنها را به انواع سلاحها مسلح کرده بودند و استراتژی آنها هم این بود که نقطه‌ای از ایران را توسط منافقین آزاد کنند. ارتش عراق هم از آنها حمایت کند و آنجا را ایران آزاد بگویند. ترجیحاً هم در غرب کشور این کار را شروع کنند تا بعداً سرپلی برای توسعه آنها و تضعیف انقلاب در سالهای بعد از جنگ باشد. آنها محاسبه می‌کردند و می‌گفتند: وقتی جنگ تعطیل شد، نیروها سرخورده می‌شوند و یک عدم رضایتی از نظام پیش می‌آید. وضع داخلی متشنج می‌شود. آن موقع نیروی فشاری مثل منافقین بدون اینکه بگویند خارجی‌ها حمله کرده‌اند، شکل می‌گیرد. منافقین در چنین شرایطی، امیدوار بودند. برای همین است که نیروهای خارجی می‌گویند عملیات مرصاد یک ضربه کاری به آنها بود که خوردند. البته این توطئه هم، یک توطئه خیالی بود و چنین چیزی اتفاق نمی‌افتاد. ولی همین امید واهی آنها هم به باد رفت. از آن به بعد منافقین به حالت کما رفتند و با حرف، شعار و دروغ خودشان را زنده نگه می‌دارند.

***اسم برنامه ما «توهم یک پیروزی» است. صحبتی در خصوص این کلمه و توهمی که نیروی منافقین داشتند که ۲۴ ساعته می‌توانند تهران را فتح کنند و به اصطلاح پیروز این جنگ باشند، برای ما بفرمائید.**

***باید بگویم در دفاع مرصاد، تمام نیروهای نظامی ما، ارتشی، سپاهی، بسیجی، داوطلب، نیروی هوایی، نیروی زمینی، توپخانه‌های دورزن، مردم و عشایر نقش داشتند و بهترین نتیجه را گرفتند و منافقین را از کار انداختند. بعد از این عملیات منافقین دیگر نتوانستند سر بلند کنند. ارتش به اصطلاح خلق مجاهدین هم به همراه ارتش صدام به هم ریخت. اینها را خداوند پیش آورد. ما برای این قسمت طراحی نکرده بودیم**

– گفتم که این کار داخل یک مجموعه بود. یعنی یک طرح تنهایی که منافقین طراحش باشند و یک کار ضدانقلابی داخلی باشد، نیست. در یک مجموعه بودند. فرضشان بر این بود که با پذیرش قطعنامه ازسوی ما و اشغال دوباره بخش‌های حساس جنوب و اشغال نقاطی در غرب، حداقل کرمانشاه، نظام متزلزل می‌شود. البته برنامه‌های آنها این بود که یک نفس تا همدان و قزوین بیایند. بنای آنها این بود که با پشتیبانی هوایی عراقی‌ها بیایند و در آن مجموعه امیدوار بودند. شاید از لحاظ اهداف، تعبیر توهم، کاملاً درست انتخاب شده باشد. معلوم شد که واقعیت جامعه ما را نمی‌دانند. قدرت نظامی، دفاعی و محبت‌های مردمی ما را نمی‌دانند که چنین حرکتی را به راه انداخته‌اند.

کلمه توهم بجاست، منتها نباید به صورت یک مورد انفرادی روی آن حساب شود. چون آن یک مجموعه است. اگر انفرادی باشد، خیلی بی‌عقلی است. قاعدتاً چون در یک مجموعه قرار گرفته بود، می‌توانست برای آنها یک امید واهی درست کند.

***دلیل انتخاب اسم مرصاد و آیه «ان ربک و المرصاد» چه بود؟**

– یادم نیست که این کلمه را چه کسی انتخاب کرده بود.

***شباهتش به این واقعه و تعبیری که می‌توان ذکر کرد.**

– الان یادم نیست که اولین بار این کلمه را چه کسی گفت. اما هرکسی استفاده کرد، برداشت خیلی درست و بجایی بود. اولاً آن تنگه واقعاً بصورت یک مرصاد و کمین‌گاه درآمده بود. یعنی کأنه برای این عملیات ساخته شده بود و نیروهایی برای کمین گذاشته شده بودند و منتظر بودند که طرف بیاید تا در آنجا در محاصره بیندازند.

ثانیاً خاصیت یک کمین را داشت. یعنی کمین برای این است که صید در کمین گیر کند. همین اتفاق در آنجا افتاد. ثالثاً این الهام از سوره مبارکه فجر گرفته شده بود: «ان ربک لباالمرصاد» خداوند در کمین است. خدا که همه جا هست و به همه چیز احاطه دارد و در کمین نمی‌نشیند. کمین آن حالتی است که دشمن بدون توجه و غافلانه گرفتار می‌شود که این اتفاق افتاد. یعنی کمین خداوند بود.

می‌خواهم بگویم چشمهایتان را قدری از کمین داخلی و کیفی که بشر طراحی کرده بود، بالاتر ببرید. این مرصادی بود که خداوند برای دفاع از ملت مظلوم، انقلاب و حق ایران در مقابل متجاوزان عراقی، ضد انقلاب و آمریکایی‌ها، تعبیه کرده بود که در چنین زمانی اثر خودش را خیلی خوب نشان داد. آن نقطه و آن عملیات از سه وجه مرصاد بود.

***سؤال دیگری دارم که شاید به مرصاد ربط نداشته باشد. می‌خواستم در خصوص واقعه ۲۶ مرداد و همان حماسه پاوه که شهید چمران حضور داشت، اگر صحبت یا خاطره‌ای داشته باشید، مشتاقیم که بشنویم. چون یک ویژه‌برنامه هم در آن خصوص داریم. اگر بصورت کوتاه بفرمائید، ممنون می‌شویم.**

– اولاً مرداد یکی از ماه‌های ویژه برای انقلاب اسلامی است. خیلی از حوادث مهم و مثبت را در مرداد داریم که اوّلین آن بعد از انقلاب همان جریان شهید چمران و پاوه بود که یک شوک واقعی به ضدانقلاب وارد کرد. آنجایی بود که آنها فکر می‌کردند می‌توانند از خودشان یک قدرت نشان بدهند. ولی درست معکوس شد. یک ضربه جدّی خوردند و آن کار برای مقاومت‌های طولانی در کردستان وغرب، منشاء کارهای مهم شد.

من فکر می‌کنم قطعنامه را هم در ماه مرداد پذیرفتیم و یا لااقل صدام آن را پذیرفت. چون ما اول پذیرفتیم، اما صدام چون می‌خواست به ما حمله کند، معطل کرد. تا حمله کرد و شکست خورد و سپس پذیرفت. تحکیم قطعنامه در مرداد انجام شد. احتمالاً اسرا هم در مرداد ماه آزاد شدند. ما در ماه مرداد حوادث شیرینی داریم که ثمره مبارزات ما بود. یعنی چندین مورد اتفاق افتاده بود. زمانی اینها را لیست کرده بودم که الان بطور کامل یادم نیست.

***واقعاً مردم غرب ایران همیشه در مقابل خطرهایی که از ناحیه عثمانی‌ها و بعد از آن هر وقت که اتفاق افتاده، مقاومت کرده‌اند. در غرب، کرمانشاه آسمان مرکز است و اتکای همه آن منطقه به کرمانشاه است. کرمانشاه به خاطر سوابق طولانی که در دوران مشعشع ایران باستان دارد، بعنوان جایگاه بزرگی در تاریخ مطرح بوده و جریان جنگ و دفاع مقدس ۸ ساله، خاطرات طولانی مقاومت غرب ایران و همچنین جایگاه مستحکم کرمانشاه را خیلی خوب تجدید کرد**

***در آخر مصاحبه اگر پیام و یا صحبتی با مردم کرمانشاه دارید، بفرمائید.**

– کل غرب را که نگاه می‌کنیم، جبهه سپرمانندی برای ایران بودند. واقعاً مردم غرب ایران همیشه در مقابل خطرهایی که از ناحیه عثمانی‌ها و بعد از آن هر وقت که اتفاق افتاده، مقاومت کرده‌اند. در غرب، کرمانشاه آسمان مرکز است و اتکای همه آن منطقه به کرمانشاه است. کرمانشاه به خاطر سوابق طولانی که در دوران مشعشع ایران باستان دارد، بعنوان جایگاه بزرگی در تاریخ مطرح بوده و جریان جنگ و دفاع مقدس ۸ ساله، خاطرات طولانی مقاومت غرب ایران و همچنین جایگاه مستحکم کرمانشاه را خیلی خوب تجدید کرد.

انصافاً استان کرمانشاه در این جنگ آسیب زیادی دید. البته بقیه هم دیدند. ایلام خیلی آسیب دید. کردستان هم آسیب زیادی دید. حتی آذربایجان غربی هم، این مشکلات را داشت. ولی نقطه تمرکزی و متکای آن منطقه، کرمانشاهی‌ها بودند. حقیقتاً کرمانشاهی‌ها حق بزرگ تاریخی و امروزی بر مردم ایران دارند و در دفاع مقدس هم از خودشان خیلی مایه گذاشتند.

الحمدلله ظرفیت طبیعی استان کرمانشاه هم بسیار بالا است و الان به نقطه‌ای رسیده‌ایم که صدام هم رفته و آن ناامنی‌ها هم دیگر نیست. کرمانشاهی‌ها باید ثمره آن صبرو مقاومت و موقعیت را ببینند.

***خیلی متشکریم.**

۲ مرداد ۸۷

آگهی فراخوان مناقصه‌ی عمومی دانشگاه شهرکرد

دانشگاه شهرکرد

دانشگاه شهرکرد در نظر دارد فعالیت خدماتی ذیل را از طریق برگزاری مناقصه‌ی عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی، طبق شرایط مندرج در اسناد مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید:

ـ موضوع مناقصه: «ارائه خدمات درمانگاهی دانشگاه شهرکرد در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ »

ـ محل اعتبار موضوع قرارداد: از محل اعتبارات هزینه ای دانشگاه .

ـ زمان و مدت قرارداد: از تاریخ شروع موضوع قرارداد به مدت یکسال شمسی.

ـ مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (یک میلیارد) ریال بصورت ضمانت نامه‌ی بانکی، یا چک تضمین شده بانکی در وجه دانشگاه شهرکرد.

ـ مدت اعتبار پیشنهادها: از تاریخ گشایش پاکتهای پیشنهاد سه ماه خواهد بود.

*** بدین وسیله اعلام می نماید کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و در یافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.**

-اسناد مناقصه از روز شنبه مورخ ۹۹/۵/۱۱ ساعت ۹ صبح الی ر روز **چهارشنبه** مورخ ۹۹/۵/۱۵ ساعت ۱۷عصر بر روی **سامانه تدارکات دولت (ستاد) به آدرس** www.setadiran.ir قابل دریافت خواهد بود.

ـ آخرین مهلت قبول پیشنهادها: تا (ساعت ۱۶) روز یکشنبه مورخ ۹۹/۵/۲۶ در سامانه تدارکات دولت (ستاد).

ـ زمان و مکان گشایش پیشنهادها: روز دوشنبه ساعت ۱۰ صبح مورخ ۹۹/۵/۲۷ در محل دفتر معاونت اداری و مالی دانشگاه شهرکرد .

ـ لازم به ذکر است که صرفا شرکت در مناقصه و ارائه پیشنهاد ، ایجاد حق برای شرکت کنندگان و ایجاد تکلیف و یا سلب اختیار برای دانشگاه نمی‌باشد. و دانشگاه مجاز است در چارچوب ضوابط مقرر در آیین نامه مالی معاملاتی و با عنایت به صرفه و صلاح دانشگاه هر یک از پیشنهادها را قبول یا رد نماید.

*** لازم به توضیح می باشد مناقصه گران علاوه بر بارگذاری تصویر ضمانت نامه شرکت در مناقصه(پاکت الف) و اسناد ارزیابی کیفی و سایر اسناد(پاکت ب) و پیشنهاد قیمت (پاکت ج) در سامانه تدارکات دولت لازم است (اصل ضمانت نامه مذکور)پاکت الف و پاکت ب را در داخل پاکت لاک و مهر شده به همراه یک عدد CD (شامل کلیه اسناد پاکت الف و ب) و نامه نمایندگی و مهر شرکت حداکثر تا ساعت ۱۴بعد از ظهر روز یکشنبه مورخ ۹۹/۵/۲۶ به دانشگاه شهرکرد به نشانی : شهرکرد– بلوار رهبر - دانشگاه شهرکرد - حوزه ریاست– دفتر امور حقوقی و قراردادها مراجعه و پس از تحویل آن رسید دریافت نمایند.**

شناسه آگهی ۹۲۶۳۰۱

روابط عمومی دانشگاه شهرکرد

آگهی ابلاغ صورت مجلس افرازی

پیرو آگهی شماره ۱۱۷۳۰ مورخه ۱۳۹۹/۰۴/۱۱ در روزنامه جمهوری اسلامی بدینوسیله صورت‌مجلس افرازی شماره ۲۴۹۹//۱۰/۹۹ مورخه ۱۳۹۹/۰۵/۰۵ و نقشه و نظریه رئیس ثبت مربوطه پلاک ثبتی ۲۵۰۰ فرعی از ۳۰۲۷ اصلی بخش یک حومه کاشمر بشرح ذیل آگهی می‌شود شایسته است کلیه مالکین مشاعی پلاک مذکور چنانچه به مورد افراز و نحوه آن اعتراض دارند واخواهی خود را ظرف ۱۰ روز پس از انتشار آگهی روزنامه به دادگاه صالحه تسلیم و رونوشت آن را به این اداره ارسال نمایند در صورت عدم واخواهی سند مالکیت مفروزی در موعد مقرر به نام متقاضی صادر و تسلیم خواهد شد. م الف ۸۹

محمد محمدزاده

رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان کاشمر

صورت‌مجلس افرازی پلاک شماره ۲۵۰۰ فرعی از ۳۰۲۷ اصلی بخش یک حومه کاشمر

احتراماً در اجرای دستور اداری شماره ۱۰/۹۹/۱۶۷۵ مورخه ۱۳۹۹/۰۳/۳۱ ذیل گزارش افراز سید ارتین سیدی جردوی در پلاک ثبتی ۲۵۰۰ فرعی از ۳۰۲۷- اصلی بخش یک حومه کاشمر سند مالکیت تک‌برگی صادر و تسلیم گردیده است و آگهی دعوت به افراز بشماره ۱۱۷۳۰ مورخه ۱۳۹۹/۰۴/۱۱ روزنامه جمهوری اسلامی منتشر گردیده است لذا اینجانبان مجتبی سبزواری به عنوان نماینده و آقای حسین سلیمانی نقشه‌بردار ثبت در تاریخ ۱۳۹۹/۰۴/۲۵ ساعت ۱۰ صبح باتفاق متقاضی به محل وقوع ملک مراجعه و با معرفی ملک مورد تقاضا و بررسی پرونده ثبتی مشاهده شد که مورد درخواست بصورت یک قطعه زمین و در محدوده پلاک فوق می‌باشد لذا به همین منظور ابتدا حدود مندرج در سند مالکیت مورد بررسی قرار گرفت و نقشه کل ملک و نقشه مورد افراز بوسیله نقشه‌بردار ثبت ترسیم که با عنایت به نامه ۹۹۰۰۰۲۴۵۹ مورخه ۱۳۹۹/۰۳/۲۷ شهرداری کاشمر منضم به نقشه تأیید شده اقدام به تنظیم صورت‌مجلس افرازی نموده که برای قطعه افرازی پلاک شماره ۱۸۳۲۲ فرعی درنظر گرفته شد.

*حدود اولیه: ششدانگ یکقطعه زمین بمساحت ۵۷۶۰ مترمربع پلاک ۲۵۰۰ فرعی از ۳۰۲۷ اصلی بخش یک حومه کاشمر به استثناء پلاکهای ۱۳۹۷۰ و ۱۵۴۲۸ و ۱۵۱۳۹ و ۱۵۴۸۲ و ۱۵۵۴۶ و ۱۶۸۹۶ و ۱۷۵۴۴ فرعی جداشده از ۲۵۰۰ فرعی که در سهم مابقی مالکین مشاعی قرار دارد شمالاً بطول ۱۲۰ متر مرزیست به خیابان ده متری شرقاً بطول ۴۸ متر مرزیست به خیابان ۲۰ متری جنوباً بطول ۱۲۰ متر مرزیست به خیابان ده متری غرباً بطول ۴۸ متر مرزیست به خیابان ۲۰ متری حقوق ارتفاقی ندارد.

*حدود قطعه افرازی: ششدانگ یکقطعه زمین بمساحت ۳۳۳/۷۳ مترمربع پلاک ۱۸۳۲۲ فرعی از ۲۵۰۰ فرعی از ۳۰۲۷ اصلی بخش یک حومه کاشمر که در سهم سید ارتین سیدی جردوی قرار خواهد گرفت - شمالاً اول بطول ۱۱/۸۸ متر دوم بطور پخی بطول ۳ متر محل درب و مرزیست به میلان شهاب ترشیز ۲۰ شرقاً بطول ۲۱/۸۷ متر محل درب و مرزیست به خیابان جنوباً بطول ۱۴ متر دیواریست به پلاک باقیمانده ۲۵۰۰ فرعی غرباً بطول ۲۴ متر ته پی دیواریست به پلاک ۱۵۵۴۶ فرعی از ۲۵۰۰ فرعی حقوق ارتفاقی ندارد.

*حدود قطعه باقیمانده قطعه ۱: ششدانگ یک قطعه زمین بمساحت ۳۶۲۸/۳۰ مترمربع پلاک باقیمانده ۲۵۰۰ فرعی از ۳۰۲۷ اصلی بخش یک حومه کاشمر که در سهم مابقی مالکین مشاعی قرار دارد - شمالاً اول بطول ۲۳/۴۳ متر مرزیست به میلان دوم که غربی است بطول ۲۴ متر سوم بطول ۴/۹۰ متر که جنوبی است چهارم بطول ۲۴ متر که شرقی است مرزیست به پلاک ۱۸۱۷۳ فرعی پنجم بطول ۱۵/۱۹ متر مرزیست به میلان ششم که غربی است بطول ۲۴ متر هفتم بطول ۵ متر که جنوبی است هشتم بطول ۲۴ متر که شرقی است مرزیست به پلاک ۱۷۵۴۴ فرعی نهم بطول ۱۶/۱۹ متر مرزیست به میلان دهم که غربی است بطول ۲۴ متر یازدهم بطول ۵ متر که جنوبی است دوازدهم بطول ۲۴ متر که شرقی است مرزیست به پلاک ۱۵۱۳۹ فرعی سیزدهم بطول ۲۶/۴۹ متر مرزیست به میلان شرقا اول بطول ۲۴ متر مرزیست به پلاک ۱۵۵۴۶ فرعی دوم که جنوبی است بطول ۵/۵۸ متر سوم بطول ۲۳/۹۰ متر مرزیست به پلاک ۱۶۸۹۶ فرعی جنوباً بطول ۷۰/۴۲ متر مرزیست به میلان ده متری غرباً اول بطول ۲۴ متر مرزیست به پلاک ۱۵۴۲۸ فرعی دوم بطول ۱۰ متر سوم بطول ۱۰ متر که این دو قسمت جنوبی است چهارم بطول ۲۴ متر مرزیست به خیابان ۲۰ متری حقوق ارتفاقی ندارد.

*حدود قطعه باقیمانده قطعه ۲: ششدانگ یکقطعه زمین بمساحت ۱۷۹ مترمربع پلاک باقیمانده ۲۵۰۰ فرعی از ۳۰۲۷ اصلی بخش یک حومه کاشمر که در سهم مابقی مالکین مشاعی قرار دارد - شمالاً اول بطول ۳/۱۵ متر مرزیست به پلاک ۱۵۵۴۶ فرعی دوم بطول ۱۴ متر مرزیست به پلاک ۱۸۳۲۲ فرعی مفروز شده از ۲۵۰۰ فرعی شرقاً بطول ۸/۶۵ متر محل درب و مرزیست به خیابان جنوباً بطول ۲۰/۱۵ متر مرزیست به پلاک ۱۳۹۷۰ فرعی غرباً بطول ۸/۶۵ متر مرزیست به پلاک ۱۶۸۹۶ فرعی از ۲۵۰۰ فرعی حقوق ارتفاقی ندارد.
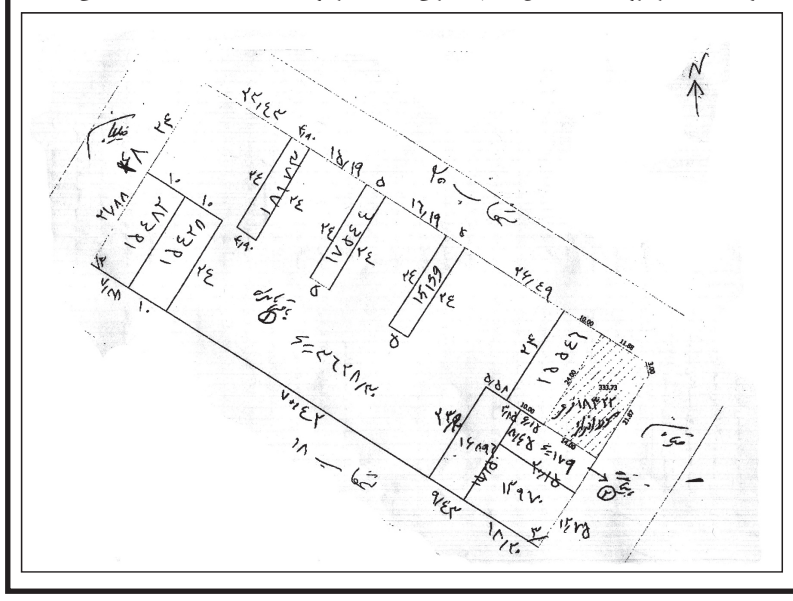
نقشه‌بردارثبت نماینده ثبت متقاضی